برداشتهای فلسفی در ادبیات کهن: بررسی داستان ایوب بابلی و حماسه فلسفی ایوب در عهد عتیق

نجفی، محمد علی

ایوب عهد عتیق تصویر فکری کمال یافته‏ایست از ایوب بابلی و سومری،با سیمائی‏ شفافتر،و عرصه‏ای خیره‏کننده‏تر.با ابعادی کامل و بنمونه.که بر صفحه اندیشه و فکر روزگار برای همیشه بر جای مانده و خواهدماند.مولف کتاب ایوب تنها با روش طرح‏ مسائل اکتفا کرده و مسائل را با همه اطراف و اکنافش با تسلسلی زیبا و بجا و منطقی عرضه‏ میکند و بی‏آنکه کمترین اظهارنظری کند خواننده را در جهت مطلوب آمرانه به قضاوت‏ وامیدارد و این روشرا بنمونه در آثار اسلامی تنها در رسائل اخوان‏1الصفا و خلان الوفا که یکی از گنجینه‏های گرانبهای علم و حکمت سده‏های میانه بشمار میرود میتوان ملاحظه‏ کرد و این؟عرضه و پاسخ‏گیری نیز در آنجا به بهترین وجه بکار رفته است.

و برعکس ظاهر قضایا،خواننده را در پایان یا همگام با نظر مطلوب خود ساخته‏ یا حداقل او را در شکی شدید موضع میداده است.

شرکت‏کنندگان در داستان ایوب عهد عتیق عبارتند از:

1-خداوند2و پسرانش!-خداوند در نقش دانشمندی مقتدر و بزرگ معرفی میشود ولی ساده و کم‏اطلاع نه چنانکه بتواند در مسائل صاحب‏نظر و از نتایج اجتماعی و روانی‏ بعدی سیر امور آگاهی کامل داشته باشد!

(1)-مجموعهء رسائل اخوان الصفا جزوه‏هائی است در رشته‏های مختلف علوم و در قرن‏ دوم هجری توسط گروهی ناشناس تدریس و در شهرهای بزرگ آنزمان خلافت عباسیان(بغداد بصره،واسط،کوفه،شفاثه)و در روز پخش میشده‏است!

(2)- Lord یا رب که درست معنای خداوند را در فارسی میدهد نه خدا را در کتاب‏ ایوب بکار رفته است.

2-شیطان در نقش حکیم و فیلسوفی است آگاه و جامع که دایم در تحقیق و مطالعه‏ احوال و اوضاع عالم بسر میبرد.و از آینده سیر امور بااطلاع است و علی‏الظاهر چنانکه‏ از بحث استنباط میشود مشاور قادر مطلق و یا کارگذار او نشان داده‏شده‏است.

3-ایوب که قهرمان داستان است متفکری است ژرف‏بین و هوشیار.حقیقت‏گو و «معترض»به خلافتها،که با همهء تلاشهای فکری دوستانش،در رای و دید خود مصرانه‏ پابرجا است و رنجها و ستمهائی را که به انسان میرود گونه‏ای از بی‏انصافی می‏بیند.و نمی‏تواند آنرا زائیده«حکمت ازلی»بداند و سرانجام خداوند او را تأیید کرده پیروز میشود.

4-سه دوست ایوب بنام‏های الیفاز تیمانی (Eliphaz the hemanite) و بلدد شوحی (Bildad the Shuhite) و سوفر نعماتی (Zophar the) (Naamathite) میباشند.اینان سعی بلیغ دارند ایوب را در تحمل بار گران مصیبت‏ شکیبا سازند.و او را از عصیان و ستیزه‏جوئی با خداوند و از مجادله او در کنه«حکمت‏ بزرگ»و تخطئه او را بازدارند.طرح توام با تسلسل فکری بسیار ماهرانه،با عرضه‏ای‏ مالامال از فراست و نکته‏سنجی است.کتاب ایوب بسیار ممتع است و شیوا و برای اهل نظر خواندنی است و واجب.که نمونه‏ایست و بدون شک هم ارز کتاب جامعه و هم عیار آن‏ در عهد عتیق.ایوب در این کتاب عنان اندیشه را بی‏مبالات بسرحد متعالی آزادی‏ میرساند.و برای انسان حریم بی‏حد و مرزی از پاکی و قدسیت و حق زندکی قائل میشود.

و "غیرمنصفانه‏"بودن زندگی را سخت محکوم میکند،و در مقایسهء فردی خود با بزرگی‏ "او"خود را عادلتر می‏بیند!!...و چراهای ایوب مستند به برهان و دلیل‏های محکم‏ است او مظهر رسالت منصفانه انسان،و نمونهء حکمت و اندیشهء شبخردانه او است.اندیشه‏ مقتدر انسانی نه تنها در فلاکت تاریکی شب ایوب سربه‏نیست نمیشود،بلکه با ابعاد مطلق در حاشیه بی‏کران،گام‏به‏گام پیش‏میرود،پیروزمندانه و سرمست راه را به پایان‏ میرساند.مؤلف کتاب ایوب که از اسفار عهد عتیق است(سفر 18)شناخته نیست و زمان‏ تدوین آن نیز بدرستی مشخص‏1نشده است ولی در این اواخر ریشه داستان ایوب کتاب عهد عتیق در لوحهائی که در کاوشهای باستانشناسی بین‏النهرین بدست آمده روشن گردیده‏ است.